

سیمای معنوی شهید سید حسن مدرّس رحمة الله عليه

محمد مهدی رکنی

«ما با تجلیل از شهید مدرّس - رحمة الله عليه - در حقیقت به همه ارزشهایی ارج می‌نهیم که در وجود این آسوه فضیلت متجلی بود.»
(مقام معظم رهبری آیه الله خامنه‌ای)

چه کسی تصوّر می‌کرد روستازاده‌ای تهیدست در سَرابه (اطراف اصفهان) که نام «حسن» بر او نهادند، روزی از چهره‌های تابناک تاریخ معاصر ایران شود، و با سرسلسله پهلوی - که مظهر استبداد نظامی و فرمانبر از استعمار خارجی است - مخالفت کند، و آن قدر در راه آزادی، عدالت اجتماعی و اجرای احکام اسلامی پافشاری کند که به حبس افتد و زهر شهادت نوشد و در حال عبادت جان سپرد.
آری مدبّر امور و مُقدّر احوال این‌گونه تقدیر کرده

بود که روستایی‌زاده‌ای دور از شهر و مدرسه عالمی پارسا و مجتهدی با تقوا گردد، و این امتیاز را بر دیگر هم‌تایانش داشته باشد که تنها به درس و بحث حوزه بسنده نکند، بلکه «زمان‌شناس» باشد و درکی درست از اوضاع سیاسی - اجتماعی عصر خود داشته باشد، و هنگام ضرورت - برای حفظ مُلک و ملت در سیاست دخالت کند و بگوید «سیاست ما عین دیانت ما و دیانت ما عین سیاست ماست»؛ چون سیاست در نظر او اداره امور مسلمین و اجرای احکام عدالت‌گستر اسلام و حفظ و استقلال کشور و قطع وابستگی به اجانب بود نه صدرنشینی و حکمرانی.

سید حسن که بعد از کسب مقام علمی و اجتهاد لقب «مدرّس» یافت با این روحیه و آرمان، چون از سوی مردم به وکالت مجلس شورا انتخاب شد هوشیارانه در رأی‌زنی و تصمیم‌گیریها دخالت می‌کرد تا مشروطه‌ای را که غرب‌زدگان یا مرعوب شدگان از مشروعیت تهی می‌کردند اصالت بخشید، و مجلس شورا را به راستی «عدالت‌خانه» کند. از دیگر سو با دخالت پیر استعمار (بریتانیای کبیر!) و هرگونه دخالت خارجی به مخالفت برمی‌خاست و با ایادی آنان - از صدر تا ساقه - به شدت مبارزه می‌کرد و از هیچ قدرتی - جز خدای قادر متعال - هراس نداشت.

به واسطه این ویژگیهاست که امام خمینی - اعلی الله مقامه - بارها از وی تجلیل می‌کردند، و آسوه حسنه‌ای برای دولت مردان - مخصوصاً وکلای مجلس شورای اسلامی - می‌شمردند. از سخنان امام درباره شهید مدرّس است: تا تاریخ زنده است مدرّس زنده است. او از اظهار حق و ابطال باطل دریغ نمی‌کرد. تا کسی آن زمان را درک نکرده باشد ارزش این شخص عالی‌مقام [یعنی مدرّس] را نمی‌تواند

درک کند، شما نمی‌دانید در مقابل او [رضاخان] ایستادن یعنی چه، و مدرّس ایستاد. همین مرد است، یک روحانی که عبایش از سایر اشخاص کمتر بود و کرباسی به تن می‌کرد. او در مقابل قدرت زیادِ رضاخان ایستاد. رضاخان رقیب خودش را مدرّس می‌دانست.

دیگران هم که آیه‌الله شهید مدرّس را دیده بودند از او به بزرگی و فضیلت اخلاقی یاد می‌کنند. سخن ملک الشعراء بهار نقل کردنی است:

«یکی از شخصیهایی بود که ایران از زمان مغول تا آن عصر [مانندش را] ندیده بود. علاوه بر آن از جنبه علمی و تقدّس و پاکدامنی و هوش دست کمی از هیچ کس نداشت.»

اما آنچه از خودش نقل شده بهتر می‌تواند عقیده و اندیشه سیاسی و سیمای معنوی‌اش را نشان دهد:

«مسلمان باید به دو بال علم و تقوا مجهز شود.»
«انگلیسیها علم دارند ولی تقوا ندارند. اگر مسلمین علم و تقوا داشته باشند هیچ کس بر آنان مسلط نمی‌شود.» «خداوند دو چیز را به من نداده است: یکی ترس و دیگری طمع.» «هر دولتی بخواهد رنگ یکی از قدرتها را داشته باشد من که مدرّس هستم با او مخالفت خواهم کرد. خواه رنگ شمال باشد خواه رنگ جنوب و خواه رنگ آخر دنیا [یعنی آمریکا] و این است ملی‌گرایی واقعی و وطن‌دوستی»^۲.

کودکی که در سال ۱۲۸۷ق. در دهکده‌ای دورافتاده متولد شده بود، پس از ۶۹ سال زندگانی پُر تلاش و مبارزه در راه اعتلای اسلام و اقامه عدل و حرّیت، در رمضان سال ۱۳۵۶ق. (= ۱۳۱۶ش.) به اجبارِ دژخیمان رضاخان، جای زهرآلود نوشید و در حال عبادت به شهادت رسید.

اسلام‌ستیزان پنداشتند مدرّس را نابود کردند، اما خدای منتقم از ظالمان و شکور نسبت به مؤمنان چنین خواست که تاریخ ایران ورق خورد و انقلاب اسلامی پیروز گردد، و به پاس خدمات و فداکاریهایی که آن روحانی شجاع در چند دوره وکالت مجلس شورای ملی کرده روز شهادتش - دهم آذر - «روز مجلس» نامیده شود، و مجالسی در بزرگداشت وی برپا گردد. به همین مناسبت به پیشنهاد و سفارش دبیرخانه شورای عالی فرهنگی آستان قدس رضوی و همکاری بنیاد پژوهشهای اسلامی شماره پاییز مجله مشکوة به مقالاتی درباره آن عالم زاهد بصیر اختصاص داده شد؛ امید است مرصّی خدای تعالی و حضرت امام‌رضا - علیه افضل التحية والثناء - باشد.

۱- تعبیری است که در آن زمان به کار می‌رفت، و نشان‌دهنده انتظار مردم از حکومت مشروطه و مجلس شورا می‌باشد، انگلستان هم به «بریتانیای کبیر» معروف بود.

۲- وطن‌دوستی محبت داشتن نسبت به سرزمین نیاکان و دین و آیین و زبان و فرهنگ کشور خود می‌باشد، اما وطن‌پرستی که در زمان پهلوی رواج داشت، و تثلیث «خدا، شاه، میهن» شعار نظامیان شده بود، تعبیری است شرک‌آمیز، زیرا پرستش مخصوص آفریدگار جهان و جهانیان است و بس.